



پریش از شهروندان: از بحران و مدیریت بحران چه می‌دانید؟

سرگیجه در بحران

«چیز زیادی نمی‌دانیم! اما لازمه ما چیزی از مدیریت بحران بدانیم؟! آیا پریش از شهروندان به غیر نگران روزنامه شهرونده است. بحران و مدیریت بحران هر چند بارها در زمان های خاصی، روزها و روز استغفار سه‌ماهه با ما منتظر می‌رسد و شهرنشین چیز زیادی از این حوزه نمی‌دانند. پریشی را با این محضون که بحران و مدیریت بحران چه می‌دانید، با چند پیشنهاد و دیدگاه میان گذاشته‌ایم و پریش‌خیز از آن آرزو داریم. مجال آرزو داریم»

۱. در نظرسنجی‌ها یک‌مهم‌ترین سبب شهرداری بی‌پرو بود. یازدهم بول خروج می‌کنند، کلبه پارسه تلویزیون می‌سازن، روی پل‌ها بنر نصب می‌کنن و از این جور کارها در صورتی که می‌شد با هزینه‌های خیلی کمتر، نتیجه بهتری گرفت. باید در مدت زمانی طولانی با برنامه، بودجه و راه کارهای از انجام می‌دادند. من دقیقاً به یاد دارم که از پاراسال همین حول و حوش برنامم بودم که در آن سه‌شنبه بارش بسیار پایین آمده بود که سال سال آینده با بحران کم‌پای مواجه خواهیم بود. می‌خواهم از دولت و شهرداری پرسیم: چرا از همان موقع، از پاراسال شروع به بنر زدن نکردید؟ «چرا از همان زمان، اعلام نگردید و فکری به حال مصرف آب نکردید؟» شهرداری سه‌جای دستپاچی و
۲. پس‌چون تقریباً همن، حدوداً ۲۵ ساله در حال بدست‌صحت کردن یا بگذراندند. نفر اول یا چیت و با کمی فلتز گفت: «آب‌چیزی نمی‌دونه! فکرم نمی‌کنم خود مسئولان هم چیزی در این مورد بدونن. مثلاً بحران کم‌پای را

این رفتارهای هول‌هولگی، باید شلنگ‌های سوخا شهرداری را عوض می‌کرد که به جای چمن، آسفالت را باندند. برای همیشه که من و خیلی افراد دیگر معتقدیم که اینها تنها نمایش و شوخی تبلیغاتی‌ه که مردم بگویند شهرداری به فکر بود و الا برایشان کل شدن بحران از اهمیتی ندارد. فرد دوم هم ضمن گوش دادن به صحبت‌های دوستش، وقتی سوال را اولیاد برای او تکرار کرد، گفت: «من با اینجادهای دوستانه و موقوف و بی‌پرو می‌باشم. اما اینها ساختن کردند، بگذراندند»

۳. خرابی و آبرویی ۲۸ و ۳۳ ساله که در گوشه‌ای از پارک

در حال صحبت و خندیدن بودند وقتی از آنها در مورد شناختشان از بحران و مدیریت آن پرسیدم، ابتدا آقا سکوت کرد تا خایه صحبت کنند.

مدیریت بحران، از پایین‌ترین سطح آن، از خانواده آغاز می‌شود. کوچکترین مثال آن، اگر چه ممکن است کم‌اهمیت به نظر برسد، تفکیک زباله و جمع کردن فرزندان از خانه‌ها باشد.

آموزش آن هم به نادرست و تذکر دادن که با رفتار صحیح پدر و مادر صورت می‌گیرد. اگر یک مادر، حتی یکبار بی‌توجهی کند و آشغال یا زباله حتی کوچک‌تری را جلوی در خود، به کوچه و خیابان بیندازد، تربیت نادرست و به عبارتی، بحران را آغاز کرده است. به عقیده من، دولت، صدوسیما و شهرداری باید دست به دست هم بدهند و با فرهنگ‌سازی، مثل ساخت کلبه و پخش آن در تلویزیون که تقریباً همه مردم آن را تماشا می‌کنند، این فرهنگ‌سازی را آغاز کنند. آموزش‌هایی که باید شامل پدر و مادرها و اقارب باغ نیز بشود. امروز در جامعه ما به نحوی سطح رفتارها پایین آمده که همین الان اگر من روی صندلی همین پارک چای نوشتم، سراسری خوندنم گفت که لایوش را همینجا بگذار! اگر سگاری یک‌بشمی می‌گویند فیلتر آن را همینجا بینداز.

صدا و سیمایه‌های این همه تبلیغات بگفت و چیس و چیزهای دیگر، کمی هم به فکر آینده این مردم و جامعه‌های باشد که روز به روز سطح فرهنگ در آن رو به کاستی می‌گردد.

ایس هزینه‌های برای ساخت و پخش کلبه‌های آموزشی، در آینده هزینه‌های بسیار بیشتری را از دوش دولت، شهرداری، محیط‌زیست و مردم برخواهد داشت. مردم نیز برای شناخت بحران و مدیریت آن، نیاز به آموزش دارند. تمام افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، تصمیم‌گیرنده‌های جامعه هستند.

زمانی که بحران می‌پوشد می‌اید، فرما سبیل با زباله‌ها مدیران نیستن بریم جلسم می‌گذرانم جلسمای می‌مخوابی که به هیچ دردی نمی‌خورند! باید پیش از فکر چنین جلساتی بود. باید در مورد آگاسازی و فرهنگ‌سازی مردم جلسه برگزار کرد. مردمی که بسیاری از آنها دارای و خانان و احساس مسئولیت نیستند، یعنی در خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی است، آموزش لازم را ندهند!

۴. خامه‌ها این گونه پاسخ خود را بیان کرد. شناخت بحران و مقابله با آن، پیش از هر چیزی، خود فردی که باید، فکر می‌کند. باید فرهنگ‌سازی انجام شود تا مردم بدانند و آگاه شوند، از این که هنگام وقوع بحران، چگونه و به چه نحوی برخورد کنند. مردم بحران، که دارای اهمیت بسیار است اما کمتر کسی به آن توجه می‌کند، نظرم شهری است که مدیریت آن توسط دولت و شهرداری باید صورت بگیرد. اگر همین تمام مردم جامعه، آگاهی و خودشناسی باشد، ما نظرم شهری و اجتماعی و خودشناسی باشد، در مدیریت بحران هیچ اتفاق خاصی نخواهد افتاد!

پستر و خوشحالی خود با ۲۵ و ۳۳ ساله، در پاسخ به سوال ما، اینها ساختن کردند، بگذراندند»

۵. وزیر گفت: «از این چیزهایی که می‌گویند چیز زیادی نمی‌دانیم! اما لازمه ما چیزی از مدیریت بحران بدانیم؟!»

زهره کوهی، پریشان: **ضرورت سازماندهی حضور و کمک‌های مردمی در بحران‌ها**

یکی از وظایف مدیریتی که بحران‌ها را کنترل و مدیریت می‌کنند، هدایت مردم است. در زلزله می‌شاهد بودیم که مردم تمایل داشتند، به هوشیاران آسیب‌پذیر کمک کنند. اما این کمک‌ها سازمان‌یافته نبود و در بسیاری از موارد برای کارگزاران درامدی ایجاد مزاحمت می‌کرد. مدیریت بحران باید در مورد هر اتفاق غیرمنتظره‌ای کوچکترین کمک‌رسانی مردمی را تسریع و مشخص کند. نیروهای مردمی بهترین گزینه برای امداد‌رسانی و مقابله با بحران‌ها در کنار سازمان‌های دولتی هستند.

بیناتجاری دانشجو: برنامهریزی کلان برای آموزش مردمی

مدیریت بحران، باید بیشتر در مورد آموزش و آگاسازی مردم برنامه‌های بلندمدت و بی‌ثری داشته باشد. مدیریت بحران در اتاق در بسته نمی‌تواند، برای شهر و روستا در زمان وقوع حوادث و پس از آن، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های درست و منطقی داشته باشد. متأسفانه در حال حاضر مدیران از چشمه‌های خود با دستوری می‌خواهند در مقابل حوادث بحران‌ها برنامه‌ریزی کاربردی داشته باشند که این امر به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. به خوبی می‌دانیم، مدیریت از پشت درهای بسته و بدون چشم‌انداز روشن و درست که با ساختارها و امکانات کنونی ترمیم نشده است، منتهمی به شکست است. این موضوع در برخوردهای متعدد و نامهماگم و بی‌مسئولیت مدیران با حوادث در شرایط بحران موجب کندی امداد‌رسانی و کمک به آسیب‌پذیرگان حوادث شده است. متأسفانه تبدیل ناهاهنگی و تغییر رویه و سیاست‌گذاری کلان که از یک سیاست‌هسو و بلندمدت تعمیم‌دهنده‌های کلان‌پایه‌های مردمی برای رسیدن به مدیریت بحران صحیح، فرورفته است. این امر باعث رسیدن استانداردهای جهانی برای مقابله با بحران‌ها شده است.

ملی‌حاجان، کارمند: ضرورت از میان رفتن فاصله مدیران با مردم در برخورد با بحران‌ها

مدیریت بحران باید تا همه جنبه‌ها و گوناگونی‌ها، با توجه به نیازها و مشکلات جامعه‌های ما، از آموزش و - داشته باشد. مدیران بحران در اتاق در بسته نمی‌توانند، برای شهر و روستا در زمان وقوع حوادث و پس از آن، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های درست و منطقی داشته باشند. متأسفانه در حال حاضر مدیران از چشمه‌های خود با دستوری می‌خواهند در مقابل حوادث بحران‌ها برنامه‌ریزی کاربردی داشته باشند که این امر به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. به خوبی می‌دانیم، مدیریت از پشت درهای بسته و بدون چشم‌انداز روشن و درست که با ساختارها و امکانات کنونی ترمیم نشده است، منتهمی به شکست است. این موضوع در برخوردهای متعدد و نامهماگم و بی‌مسئولیت مدیران با حوادث در شرایط بحران موجب کندی امداد‌رسانی و کمک به آسیب‌پذیرگان حوادث شده است. متأسفانه تبدیل ناهاهنگی و تغییر رویه و سیاست‌گذاری کلان که از یک سیاست‌هسو و بلندمدت تعمیم‌دهنده‌های کلان‌پایه‌های مردمی برای رسیدن به مدیریت بحران صحیح، فرورفته است. این امر باعث رسیدن استانداردهای جهانی برای مقابله با بحران‌ها شده است.



دوره بین

شناخت مردم از بحران

راشته باشند. امروز تنها آگاهی که مردم از مدیریت بحران دارند، به تجربیات شخصی یا شنیده‌های دیگران برمی‌گردد. بهتر است جامعه ما چه مردم و چه مسئولان دربارند که هزینه‌های آمادگی و اطلاع‌رسانی قبل از وقوع حادثه کمتر از هزینه‌های بحران است و برنامه‌ریزی جدی و سازماندهی شده برای آموزش موضوعات مدیریت بحران در میان اقشار مختلف جامعه داشته باشند.

تکنیکی در حد حرف‌زدن احمدجانثاری ۳۲ ساله است و تحصیلات حوزوی دارد و او هم مثل بسیاری از شهروندان دیگر معتقد است که نه تنها مردم بلکه مسئولان و نهادهای کشور ما هم شناخت چندانی از مدیریت بحران ندارند! اتفاق‌های سال‌های اخیر مثل طوفان اخیر تهران یا بارش‌های شدید و سیلاب‌هایی که سطح کشور را خراب داد، باعث شد مسئولان می‌توانند گفتگو بکنند یا بلای تلنگر در حد حرف‌زدن و شعار دادن حق‌یالی‌مانده‌ها عمل‌نویس‌هاست. انوشی کوبید و نظریه اصلی اطلاع‌رسانی به مردم هم به شهرهای راه، سازمان‌های امداد و نجات هلال احمر و آتش‌نشانی برمی‌گردد که مستقیماً وظیفه مدیریت بحران را برعهده دارند. این دستگاه‌ها باید آموزش‌های مردمی، راه داشته باشند تا مردم هم در مدیریت بحران‌ها مشارکت داشته باشند. من خود همیشه فکر می‌کنم اگر در شهری مثل تهران اتفاق بیفتد، اگر نه به‌همه چه شرایطی پیش می‌آید و چگونه می‌توانیم خود را از منطقه بحران دور نگه داریم؟ این شهر دیگر جای ماندن نیست. مدیریت بحران در کشور ما غیر اصولی است حتی اگر سوله‌های تهران نگهداری اقلام ضروری در چند ساله باشند، به‌رغم نمی‌شوند! باید چهار همدار چند سوله داشته‌باشند یا اقلام غذایی داخل شود. حتی مکان‌های این آبرها هم کارشناسی شده انتخاب نشده است. مکان‌های این سوله‌ها در مواقع بحران دسترسی به این مکان‌ها را گنجانده است. از این اقلام هم وجود نداشته باشد! در کل ما در مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!

مدیریت بحران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم! مدیران فقط به‌همه چه می‌کنیم و به‌همه چه می‌کنیم!